

تمهیدات آموزشی دولت اسلامی در ساماندهی فرآیند اجتماعی شدن زنان

فیروزه کرمی

استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور لوسان، تهران، ایران (نویسنده مسئول) karami@lavasan.tpmu.ac.ir

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: در عصر حاضر به دلیل تحولات پرشتاب اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، حضور زنان در عرصه‌های گوناگون جامعه سیری فزاینده یافته است. از آنجا که اجتماعی شدن زنان ناگزیر و پیامدهای ناشی از آن ناگزیر می‌نماید، دولت اسلامی برای تمهید مقدمات و تامین شرایط مناسب برای حضور زنان در جامعه وظایفی بس مهم و حساس دارد. این جستار مسئولیت‌های دولت اسلامی را در مدیریت و برنامه‌ریزی حوزه آموزش، به منظور تمهید شرایط مناسب حضور زنان در جامعه مورد کنکاش قرار می‌دهد.

روش پژوهش: این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع، متون و پژوهش‌های پیشین و آرای صاحب‌نظران تدوین شده است. مبانی نظری این پژوهش عمدتاً مبتنی بر آثار استاد مرتضی مطهری می‌باشد.

یافته‌ها: مهم‌ترین سرفصل‌های وظایف دولت در امر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت امور آموزشی، به منظور بهبود فرآیند اجتماعی شدن زنان عبارتند از: تدوین نظام آموزشی خانواده، آموزش مهارت‌های زندگی و خانه‌داری، آموزش مهارت‌های مادری و همسرداری، آموزش علوم (عمومی و تخصصی)، مهارت‌افزایی اعضای خانواده، مهارت‌افزایی اجتماعی و شغلی، دوره‌های آموزشی برنامه‌ریزی شغلی، دوره‌های آموزشی مهارت‌های خود اشتغالی، مهارت‌افزایی در اشتغال خانگی و دوره‌های آموزشی مهارت‌های کارآفرینی.

نتیجه‌گیری: دولت اسلامی وظیفه دارد برای اجرای صحیح و کامل موارد فوق برنامه ریزی و اقدامات مناسب و عاجل معمول دارد، چرا که کوتاهی در ایفای صحیح آنها متضمن ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌هایی است که هویت فردی و شخصیتی زن، کيان خانواده و تعالی جامعه را به چالش خواهد کشاند.

واژگان کلیدی: آموزش، اجتماعی شدن، زنان، دولت اسلامی.

مقدمه

زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی سایه انداخته و تأثیرات بلافصل آن بر حوزه فرهنگ، اقتصاد و حتی سیاست جامعه کاملاً آشکار است.

بدیهی است که کار و فعالیت‌هایی که مستلزم حضور زن در محیطی خارج از منزل است، اغلب با وظایف

در دوران معاصر، ورود بانوان به عرصه‌های گوناگون فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و به ویژه فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال، روند فزاینده‌ای به خود گرفته است. این پدیده بر همه ابعاد و شئون

روانی و معنوی بشر است و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید و اجتماعی کردن فرزندان و برآورده کردن نیازهای عاطفی افراد فراهم می‌نماید. تأثیر خانواده بر رشد، تعادل و شکوفایی افراد و جامعه به حدی است که هیچ صاحب نظری نمی‌تواند آن را انکار کند (قوی، ۱۳۹۴: ۱۷۵).

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده از حالت شیئی بودن و یا ابزارکار بودن در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پراج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

ب) ابعاد شخصیتی زنان

شرایط و کیفیت حضور اجتماعی بانوان از منظر اسلام مبتنی بر اصول و باورهایی است که به ایفای صحیح نقش‌های مختلف آنان به عنوان یک شخصیت حقیقی، در مقام یک مادر، یا به عنوان یک همسر، عنایت دارد.

۱) بعد فردی شخصیت زنان

مقام زن و شرافت انسانی والا و ارزشمند او در اسلام واضح و مبرهن است. به گواهی قرآن کریم زن و مرد از حیث هویت انسانی، آفرینش و روح الهی، فلسفه خلقت، ابزار ادراکی، فطرت الهی، ارزش‌های انسانی مانند ایمان، عمل صالح، علم و تقوی با هم

ذاتی و طبیعی، شرایط و ویژگی‌های جسمی و روحی و کارکرد ویژه او در مقام یک همسر و مادر تعارض فاحشی دارد. بنابراین اگر این روند پرشتاب و نوپدید در مسیر اصولی و صحیح خود هدایت نشود، می‌تواند ضربات سهمگین و زیان‌باری بر شخصیت فرد، هویت خانواده و حیثیت جامعه وارد آورد. در جوامع اسلامی و از جمله کشور ایران نیز موضوع حضور اجتماعی زنان همواره از موضوعات چالش برانگیز و مباحثه‌آمیز بوده است. لذا لازم است برای حذف یا کاهش دامنه آسیب‌های وارده در فرآیند اجتماعی شدن زنان در یک کشور اسلامی شیعی، تدابیر و تمهیدات مناسبی اندیشیده شود.

یکی از مهم‌ترین مراجعی که در این امر مهم مسئولیتی بس‌سترگ دارند، دستگاه‌های حاکمیتی و در رأس آنها قوه مجریه است. دولت می‌بایستی چارچوب‌های ارزشی و حدود و ثغور شرعی را در این مسئله به طور روشن و شفاف تبیین و تدقیق نموده و بر اساس آن در حوزه‌های گوناگون اجرایی، تقنینی، فرهنگی، پژوهشی و آموزشی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کند.

این جستار بر اساس منابع و متون معتبر و رسمی، پژوهش‌های پیشین و بهره‌گیری از آرای صاحب‌نظران و اصحاب تجربه در پی پاسخ گفتن به این پرسش است که وظایف دولت اسلامی در امر برنامه‌ریزی و مدیریت امور آموزشی، به منظور تمهید مقدمات و شرایط مناسب برای حضور زنان در جامعه چیست؟

مبانی نظری

الف) جایگاه و اهمیت خانواده

خانواده یکی از نظام‌های اولیه جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف و کارکرد خود ثابت مانده و هنوز در همه جوامع اهمیت بالایی دارد و مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی، جنسی،

• برابری زن و مرد در کسب مقامات علمی و

معنوی

در دیدگاه قرآن کریم تفاوتی میان زن و مرد در امکان پیمودن راه‌های قرب الهی و کسب مقامات عالیه اخروی نیست و جنسیت در این میان دخالتی ندارد بلکه هر کدام از زن و مرد که در فرصت حیات دنیوی به شایستگی عمل نمایند، در آخرت به پاداش‌های عظیم و مقامات عالی نائل می‌شوند.

قرآن در آیات فراوانی تصریح کرده است که پاداش اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نبوده، بلکه به ایمان و عمل صالح مربوط است. قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن بزرگ و قدیسه یاد می‌کند و از همسران آدم و ابراهیم و از مادران موسی و عیسی در نهایت تجلیل یاد کرده است (مطهری، ۱۳۵۹: ۱۱۷).

زن شایسته احراز عالی‌ترین مقام معنوی بوده و می‌تواند از این جهت در ردیف مردان قرار بگیرد. قرآن با بیانی صریح زنان و مردان را به گونه‌ای مساوی، مستحق بهشت می‌داند (مطهری، یادداشت‌ها ۲۵۶: ۵).

تفکری که زن را در کنج خانه محبوس نموده و حتی با رعایت حریم عفاف، او را از هر علم و کمالی محروم می‌نماید و صرفاً به زن به‌عنوان وسیله‌ای برای خدمت‌گذاری و اطفاء شهوت مرد می‌نگرد، خلاف اسلام و بر ضد عواطف انسانی است (مطهری، مجموعه آثار ۶۱۸: ۱۹). این سخن به منزله نقد دیدگاه سنتی است که مرد را موجودی برتر و زن را موجودی فرمانبردار به شمار آورده (پزشکی، ۱۳۸۹: ۲۱) و با اصرار بر خانه‌نشینی زن، با حضور اجتماعی او مخالفت می‌ورزد (مهریزی، ۱۳۸۴: ۹۱).

۲) بعد خانوادگی شخصیت زنان

زندگی و شرکت در حیات خانودگی از نظر اسلام یک امر مقدس است؛ زیرا آنچه از این کانون کوچک

برابری زن و مرد مانند مرد انسان کاملی است و آفرینش آنها از یک جنس و یک گونه بوده است. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَاكَم مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ» (سوره حجرات: ۱۳)

قرآن با این بیان که می‌فرماید: «إِنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ» (سوره آل عمران: ۱۹۵) عمل زن و مرد را به یک نسبت محترم می‌شمارد و آنگاه که می‌فرماید: «بَعْضُكُمْ مِّن بَعْضٍ»، یعنی زن و مرد نوع واحدند. از نظر قرآن فضیلت مرد و زن فقط به تقوا و ایمان و عمل صالح و خلق نیک و صبر و حلم است (مطهری یادداشت‌ها، ۸۷: ۵). چنان که می‌فرماید: «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷)

اصل غایت‌مندی نظام خلقت با حکمت الهی تفسیر می‌شود و تفاوت‌هایی که مجموعه جهان را به صورت تابلوی زیبایی درآورده و تناسب را در خصوص زن و مرد ایجاد نموده است، بر مبنای حکمت بالغه الهیه است؛ لذا می‌توان گفت نظام حاکم بر جهان بر اساس نظریه حقوق طبیعی تبیین می‌شود. این نظریه بیانگر این حقیقت است که حقوق افراد صرفاً یک قرار داد ساده نیست، بلکه ریشه در واقعیت‌های تکوینی و ظرفیت‌های انسانی دارد. حقوق طبیعی و فطری از آنجا ایجاد شده که دستگاه خلقت با روشن بینی نسبت به استعدادهایی که در موجودات قرار داده است آنها را به سوی کمالاتی که در خور آنهاست میل می‌دهد. استعدادهای طبیعی مختلف بوده و دستگاه خلقت هر نوعی از انواع موجودات را در مدار خاصی قرار داده است که سعادتش در همان مدار تأمین می‌شود. پس هر استعداد طبیعی اساس و مبنای یک حق طبیعی است. آفرینش در این امر هدف داشته و این سندها را به طور تصادفی و از روی ناآگاهی به دست مخلوقات نسپرده است. (مطهری، ۱۳۵۹: ۱۴۲)

۳) بعد اجتماعی شخصیت زنان

دین اسلام آیینی است که از هرگونه افراط و تفریط به دور است و امتش را "امت وسط" می‌خواند. اسلام زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشود از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند و در بعضی موارد شرکت آنها را واجب می‌داند مانند حج که بر زن و مرد واجب است و حتی شوهر حق ممانعت ندارد و یا جهاد که بر زنان واجب نیست مگر زمانی که حوزه مسلمین مورد حمله واقع شود و جنبه صددرصد دفاعی به خود بگیرد که در این صورت بر زنان نیز واجب می‌شود (مطهری، مجموعه آثار ۵۳۸: ۱۹).

دفاع از حقیقت، حقوق فردی و اجتماعی و همچنین ترک انظلام و وظیفه مشترک زن و مرد است که در قرآن کریم تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده است: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر...» (توبه: ۷۱) در اسلام انظلام ممنوع و استیفای حقوق در مقابل متجاوز، واجب است. چنان‌که می‌فرماید: «لا یحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم...» (سوره نساء: ۱۴۸) و یا در حدیثی از معصوم (ع) است که می‌فرماید: «لا یمنع الضیم الذلیل و لا یدرک الحق إلا بالجد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۰: ۳۴).

نباید زمینه حضور زنان به عنوان نیروی کار فعال در عرصه اجتماع حذف شود چرا که هر استعداد طبیعی دلیل یک حق طبیعی است. وقتی در آفرینش، به یک موجود استعداد و لیاقت کاری داده شود این خود سندی است مبنی بر این که او حق به فعلیت رساندن این استعداد را دارد. پس منع کردن آن ظلم است. از طرفی زن مانند مرد دارای ذوق، فکر، فهم، هوش و استعداد کار است. بنابراین بازداشتن او از نیرویی که آفرینش به او اعطا نموده نه تنها ظلم به زن بلکه خیانت به اجتماع می‌باشد؛ چرا که فلج کردن این عامل

ساخته است از هیچ چیز دیگر ساخته نیست. هر کدام از زن گرفتن، شوهر کردن، فرزنددار شدن یک مسئولیت است؛ لذا خدمت به کانون مقدس خانواده، چه برای مرد و چه برای زن، نوعی جهاد مقدس به‌شمار می‌رود. (مطهری، یادداشت‌ها ۴۴: ۵)

چنان‌که دربارهٔ مرد فرموده‌اند: «الکاذ لعیاله کالمجاهد فی سبیل الله» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ۴۳۳) و در مورد زن فرموده‌اند: «جهاد المرأة حسن التبعل».

البته سهم زن در شکل‌گیری نهاد خانواده بیش از مرد است؛ چرا که زن دوران بارداری، درد زایمان و عوارض آن، فصل شیرخوارگی فرزند و پرستاری از او را تحمل می‌کند، لذا از نیروی بدنی او کاسته می‌شود و توانایی وی در کار و تولید کاهش می‌یابد. زن به‌عنوان رکن اصلی خانواده، تربیت‌کننده و پرورش‌دهنده ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی است و مادری از لحاظ آدم‌سازی مشارکت با وظیفه انبیاست (مطهری، یادداشت‌ها ۱۸۷: ۲).

اگر اختلاف طبیعی زن و مرد را در دو بخش خلاصه کنیم، یکی مربوط به پرورش دهندگی نسل است که در قرآن کریم با تعبیر «نساءکم حرث لکم» (سوره بقره: ۲۲۳) به آن اشاره دارد و دیگر این‌که زن از نظر روحی و جسمی لطیف و رقیق آفریده شده و عواطف او با عواطف مرد متفاوت است. رقت عواطف زن برای بچه‌داری و شوهرداری و کارهایی نظیر پرستاری است. با همین نگاه، وظایف خانوادگی زن شامل سه وظیفهٔ اصلی یعنی شوهرداری، خانه‌داری، مادری، و چهار وظیفهٔ فرعی یعنی حمل، وضع حمل، شیر دادن فرزند و تربیت فرزندان است. وظیفه اول زن، مادری و خانه‌سالاری است (مطهری، یادداشت‌ها ۲۹۱: ۵).

و مرد از نظر اسلام بر اساس غایت‌مداری و بر محور حکمت الهی قابل تفسیر است، اسلام نخواست به نفع زن علیه مرد و یا به عکس عمل کند، بلکه مطابق فطرت، طبیعت و قانون آفرینش، سعادت مرد و زن و فرزندان آنها را که باید در دامن زن پرورش یابند در نظر گرفته است.

ج) الزامات حضور زن در عرصه اجتماع

اسلام در عین پذیرش هویت حقیقی زن و آزادی وی در انتخاب سرنوشت و دریافت حقایق حیات، بایدها و نبایدهای نظری و عملی ویژه‌ای برای حضور اجتماعی زن قائل است که او را از ورود افراطی و حتی غیر لازم در عرصه جامعه و اشتغال درآمدزا پرهیز می‌دهد. آموزه‌های اسلامی اگرچه درباره مسائل حوزه زنان وسیع و منعطف است اما در عین حال حصرهای فقهی، حقوقی، اخلاقی و... را برای ورود زن به عرصه اجتماع و فعالیت‌های بیرون از منزل در نظر می‌گیرد.

یکی از محوری‌ترین حوزه‌های این حصر، پرهیز از شیء‌وارگی زن است؛ به نحوی که هم‌چون کالایی قابل داد و ستد، اندیشه تکامل در مسیر این حضور را از یاد برده و تنها به حفظ منافع و التذاذات شخصی و یا افراد تأمین‌کننده منافع مادی خویش بیانداشد.

• حفظ کرامت زن و التزام به عفاف و پوشش وعدم اختلاط

شرافت زن اقتضا می‌کند که هنگامی که از خانه بیرون می‌رود متین و با وقار باشد و در طرز رفتار و نوع لباس هیچ‌گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود وجود نداشته باشد (مطهری، مجموعه آثار ۵۸۷: ۱۹). اسلام در هماهنگی با قانون طبیعت و فطرت زن و مرد، پوشش مناسب با ارج و مقام زن را تجویز کرده است. منشأ تشریح حجاب، تفکیک فضای خانواده از فضای کار و اشتغال است. اسلام می‌خواهد انواع

انسانی و تزیین نیروی نیمی از افراد اجتماع، هم برخلاف حق طبیعی فردی زن و هم برخلاف حق اجتماع است و سبب می‌شود که زن همیشه به صورت سربار و کلّ بر مرد زندگی کند. بنابراین اجتماع باید از کار و فعالیت این عامل و نیروی تولید بهره‌مند گردد (مطهری، مجموعه آثار ۴۵۰: ۱۹)

اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بی‌کار و بی‌عار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشانیدن بدن به استثنای وجه و کفین مانع هیچ‌گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است، آلوده کردن محیط کار به لذت‌جویی‌های شهوانی است (مطهری، مجموعه آثار ۴۴۰: ۱۹)

• اشتغال و نقش اقتصادی زن

یکی از مسائلی که در خصوص حقوق زنان در اسلام مطرح است، مسأله استقلال اقتصادی و مالی زنان می‌باشد. در حالی که این امر در بسیاری از جوامع غیر اسلامی طی قرون اخیر به رسمیت شناخته شده است. استقلالی که زن در دارایی‌های خود دارد و فقه شیعه از ابتدا آن را به رسمیت شناخته است، در حقوق غالب کشورها از جمله یونان و روم وجود نداشته و زن از تصرف در اموال خود ممنوع بوده است (مطهری، مجموعه آثار ۲۱۴: ۱۹). اسلام در مسائل مالی و اقتصادی به شکل بی‌سابقه‌ای جانب زن را رعایت کرده است. از طرفی به زن استقلال و آزادی کامل اقتصادی داده و دست مرد را از مال و کار او کوتاه کرده، و از طرف دیگر مسئولیت تأمین بودجه خانوادگی را از دوش زن برداشته است (مطهری، مجموعه آثار ۲۲۰-۲۲۱: ۱۹) بنابراین مرد حق ندارد بدون رضایت زن در اموال و ثروت او تصرف نماید و از این جهت زن و مرد دارای وضعیت برابری هستند. باتوجه به این که مبنای طبیعی حقوق درحوزه زن

دو گونه خصلت برخوردارند. این دوگانگی از ساختار جسمانی و عاطفی آن دو سرچشمه گرفته است، همان‌گونه که آزادی و برابری انسان‌ها از طبیعت آنها الهام گرفته، دوگانگی کارایی و وظایف آنها نیز از ساختمان وجودی آن دو ریشه یافته است. «زن و مرد دو انسانند و در انسانیت متساوی و متشابه یعنی در آن چه که به انسانیت انسان مربوط می‌شود برابر و همانند یکدیگرند ولی در عین حال مرد انسان مذکر است و زن انسان مونث. در خود طبیعت میان مرد و زن تفاوت‌هایی هست. زن چیزهایی از احساسات، عواطف، طرز برداشت‌ها، توانایی‌ها و استعدادهای بدنی دارد که مرد ندارد و مرد خصوصیتی دارد که زن ندارد (مطهری، مجموعه آثار ۲۹۹: ۲۴).

قانون خلقت به این سبب این تفاوت‌ها را نهاده است که پیوند خانوادگی زن و مرد را محکم‌تر و شالوده وحدت آنها را پی‌ریزی کند. آفرینش با ایجاد این تفاوت‌ها، حقوق و وظایف خانوادگی را میان زن و مرد تقسیم نموده، هم چنان که اختلافات میان اعضاء بدن را ایجاد کرده است (مطهری، مجموعه آثار، ۱۷۴: ۱۹).

د) اهمیت آموزش در پیشرفت و تعالی

آموزش و پرورش برای زنان در هر شغل و مقامی که باشند (خانه دار یا شاغل) امری ضروری و لازم است. «برای زن هر شغل و مقامی در نظر بگیریم، چه کار داخل خانه و چه کار خارج خانه، باید آموزش و پرورش یابد. زنان مانند مردان نیازمند به آموزش‌اند. از نظر دینی نیز می‌دانیم که "طلب العلم فریضه علی کل مسلم" اختصاص به مردان ندارد، چه در اصول عقاید که باید تحقیق در آن صورت گیرد و چه در علمی که واجب نفسی تهیئی است و برای واجبات عینی یا کفایی ضروری است» (مطهری، یادداشت‌ها ۲۸۱: ۵).

التذاهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در چهارچوب ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد (مطهری، مجموعه آثار ۴۳۳: ۱۹) معنای حقیقی پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خویش را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد (مطهری، مجموعه آثار ۴۳۱: ۱۹).

اسلام می‌گوید: «نه حبس و نه اختلاط، بلکه حریم. سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا (ص) همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی‌شده‌اند ولی همواره اصل حریم رعایت شده است و در مجامع و مساجد نیز زن با مرد مختلط نبوده است. شرکت مختلط زن و مرد برخلاف مرضی شارع مقدس اسلام است.» (مطهری، مجموعه آثار ۵۵۱: ۱۹).

• هماهنگی با مسئولیت‌های خانوادگی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای زن در خانواده آرامش بخشی اوست. مصلحت زن، مرد و کانون خانواده در این است که زن از تلاش‌های خردکننده معاش معاف باشد. زیرا آسایش و سلامت و نشاط و فراغ خاطر زن برای مرد ارزش فراوانی دارد (مطهری، مجموعه آثار ۲۲۳: ۱۹). زن به عنوان رکن اصلی خانواده، تربیت‌کننده و پرورش‌دهنده ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی است و باید محیط خانواده را کانون آسایش بخش روح مرد و فراموش‌خانه رنج‌های روزانه او درآورد؛ زیرا مرد با کار فرساینده‌ای که دارد، نیازمند کانونی برای آسایش می‌باشد و این زن است که باید محیط خانواده را به این صورت درآورد (مطهری، یادداشت‌ها ۷۶: ۵).

• تناسب با ویژگی‌های جنسیتی زنان

از نظر قرآن زن و مرد در انسانیت برابرند، ولی از

از سوی دیگر مذمت‌هایی که درباره جهل و جاهل آمده و نیز مطلوبیت علم در اسلام حاکی از آن است که توصیه به فراگیری دانش و فضایل همگانی بوده و زنان را همانند مردان شامل می‌شود. اما نکته مهمی که وجود دارد این است که گاهی نوع تکالیف اجتماعی زن با مرد متفاوت است. به عنوان مثال یک جامعه نمی‌تواند از قابله مسلمان، پزشک، پرستار، خیاط، و یا آشپز زن بی‌نیاز باشد. (مطهری، یادداشت‌ها ۳۵۷: ۶)

وظیفه دولت در امر آموزش

اهمیت و جایگاه نظام خانواده و نقش بی‌بدیل زن به عنوان همسر و مادر، به علاوه ابعاد فردی و اجتماعی زن از منظر اسلام، لزوم پیوند مبانی معرفتی مستند به کتاب و سنت را با اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با اصل آموزش و پیشرفت و تعالی زنان اجتناب‌ناپذیر می‌سازد؛ همچنان‌که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، تاکید بر ارتقای آموزشی در سطوح مختلف، از جمله وظایف دولت شمرده شده است. همچنین بر اساس منشور حقوق و مسئولیت زنان در جمهوری اسلامی ایران، امر آموزش از جمله حقوق زنان است که در بند ۷۶ آن به این حقوق تصریح شده است: "حق سواد آموزی عمومی، ارتقای آموزش و برخورداری از امکانات آموزش و پرورش زنان" (قوی، ۱۳۹۴: ۳۲۵).

اهداف مندرج در فصل اول سیاست‌های ارتقاء مشارکت زنان در آموزش عالی، مصوب ۱۳۸۴/۷/۲۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی، عبارتند از:

- ۱- ارتقاء سطح فرهنگی، تعمیق باورهای دینی و رشد فرهنگ عفاف و فضایل اخلاقی و حرفه‌ای
- ۲- ایجاد فرصت و امکانات عادلانه و رفع تبعیض‌های ناروا در تربیت نیروی متخصص زن به منظور بهره‌گیری از تخصص آنان در توسعه و تعالی

کشور

- ۳- توسعه کمی و کیفی آموزش عالی زنان در کسب مدارج بالا
- ۴- توسعه مشارکت زنان متخصص در سطوح مختلف مدیریت آموزش عالی کشور
- ۵- افزایش توانمندی و کسب مهارت‌های لازم برای زنان جهت ایفای موثرتر مسئولیت‌های فرهنگی، خانوادگی و اجتماعی زنان

هم‌چنان که سیاست‌های مربوط به امور فرهنگی-اجتماعی در فصل پنجم نیز بر مسئولیت‌های دولت در موارد زیر تاکید دارند:

- ۱- توسعه آگاهی‌های دینی و فرهنگی دانشجویان دختر در عقیده‌مندی و پای‌بندی به ارزش‌ها و حدود الهی و ایجاد مصونیت در برابر القای شبهات دینی و برنامه‌ریزی فرهنگی
- ۲- توسعه و تقویت فرهنگ عفاف و حجاب و رعایت اصول و موازین اسلامی از طریق برنامه‌های آموزشی و فرهنگی دانشگاه‌ها و ضرورت نظارت صحیح بر حاکمیت این موازین در فضای فرهنگی و دانشگاهی

ماده چهار سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۱/۵/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز تاکید دارد: شرایط و محیط کار اجتماعی بانوان باید به گونه‌ای مهیا شود که زمینه رشد معنوی، علمی و حرفه‌ای آنان فراهم شود و به دیانت، شخصیت، منزلت و سلامتی فکری و روحی و جسمی آنان لطمه‌ای وارد نیاید. (گزیده قوانین و مقررات زن و خانواده، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

در سیاست‌های بهبود وضع گذران اوقات فراغت زنان و دختران، مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی، تصریح شده است: ارائه معلومات

لذا باید روابط اجتماعی، عاطفی، سیاسی و فرهنگی خانواده، با حاکمیت و نهادینه‌سازی اصولی که همه مسایل مربوط به خانواده را سامان داده و مقوم بنیان‌های آن باشد، در جهت ارزش‌های اسلامی انتظام یابد. یکی از ضروری‌ترین لوازم این مهم تدوین نظام آموزشی خانواده است. باید اعضای خانواده با اصول و اهداف ارزشی آشنا شوند. چه در غیر این صورت ممکن است ضمن تبعیت از خرافات و الزامات غلط که از تعصبات کور نشأت می‌گیرد، تسلیم بی‌چون و چرای عوامل تأثیرگذار منفی در جامعه شوند و هویت و ساختار خانواده مخدوش گردد (برنامه جامع تشکیل، تحکیم و تعالی خانواده، ۳۹: ۱۳۹۱).

از آن‌جا که خشت اول تربیت در خانواده نهاده می‌شود، صاحب‌نظران خانواده را بستری برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی می‌دانند. پژوهش‌های فریمن و همکارانش و ده‌ها پژوهش دیگر بر اهمیت آموزش و آگاه‌سازی والدین برای احیاء نقش تربیتی آنان در جهت پیشگیری از آسیب‌ها و ناهنجاری‌های خانوادگی و اجتماعی، صحنه گذارده‌اند (وزیری، ۱۳۷۹).

• آموزش مهارت‌های زندگی و خانه‌داری

مهارت‌های زندگی یعنی ایجاد رابطه بین فردی مناسب و موثر، انجام مسئولیت‌های اجتماعی، انجام تصمیم‌گیری‌های صحیح و حل تعارض‌ها و کشمکش‌ها بدون توسل به اعمالی که به خود و دیگران صدمه می‌زنند. به عبارت دیگر مهارت‌هایی که برای افزایش توانایی‌های روانی - اجتماعی به افراد آموزش داده می‌شود و آنان را قادر می‌سازد که به طور مؤثر با مقتضیات و کشمکش‌های زندگی مواجه شوند (اسفندیاری، ۱۳۸۲)

از آن‌جا که بیشترین نقش و تأثیر در ایجاد تعادل بین کار و زندگی خانوادگی زنان شاغل را خود آنان به

لازم برای آشنایی، پیشگیری و توانمندسازی زنان در مقابله با آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی زنان و آگاهی از مسایل بهداشت جسمی، روانی، محیطی و تغذیه صحیح زنان و کودکان، اطلاع از روش‌های تربیتی و پرورش فرزندان، فنون و مدیریت خانه و روابط خانوادگی، حقوق و تکالیف زوجین، آشنایی با قوانین کشوری، مباحث اخلاقی و دینی، در قالب‌ها و شیوه‌های نوین و جذاب (گزیده قوانین و مقررات زن و خانواده، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

بر مبنای این اسناد به روشنی آشکار است که دولت صرف‌نظر از وظایف ذاتی خود در تنظیم و تنسيق شرایط کار و فعالیت مثبت و سازنده زنان در جامعه، به‌خصوص در امر آموزش زنان و ارتقای سطح علمی آنان از جهت کمی و کیفی، وظایف بسیار مهمی بر عهده دارد، به‌نحوی که با حذف همه آسیب‌ها و نگرانی‌ها حداکثر مصالح و منافع ناشی از حضور اجتماعی زنان حاصل شود و رشد شخصیت فردی زن، حیثیت و کيان خانواده، و ترقی و تعالی جامعه فراهم آید.

مهم‌ترین تمهیدات حاکمیتی در حوزه آموزش زنان

برپایه آنچه از اسناد بالادستی و قوانین مصوب جمهوری اسلامی ایران ذکر شد، وظایف سترگ دولت در باب آموزش، توانمندسازی و مهارت‌آموزی زنان قابل احصاء می‌باشد. بنابراین مهم‌ترین وظایف حاکمیت در حوزه آموزشی را به منظور تمهید شرایط اجتماعی شدن زنان می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

• تدوین نظام آموزشی خانواده

با توجه به این‌که خانواده کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که زمینه ساختارهای هویتی و عاطفی جامعه فردا را مهیا می‌نماید، با التزام عملی به اصول اعتقادی خویش نقش اساسی در تکوین جامعه دارد؛

عهده دارند، دولت بایستی با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی لازم در جهت افزایش آگاهی‌ها و توانایی‌های زنان شاغل اقدام کند. در این صورت هم شرایط کار و هم شرایط زندگی به وجه احسن و در جهت مصالح و منافع فردی، خانوادگی و اجتماعی شکل می‌گیرد.

این آگاهی‌ها، توانایی‌ها و مهارت‌ها در ابعاد و شقوق گوناگون قابل طرح و پیگیری است، که مهم‌ترین آنها عبارتند از: مهارت‌های برقراری ارتباط، مهارت در ارتباط کلامی و مذاکره، مدیریت زمان و رسیدگی به همسر و فرزند، مراقبت از دوگانگی در تربیت فرزند، مدیریت تنظیم روابط خانوادگی، واگذاری کار به همسر و فرزندان (تفویض اختیار)، تفکیک مشکلات محیط کار از خانه، ارتباط عاطفی با همسر و فرزندان، مهارت در سازمان‌دهی، کمک خواستن صمیمانه از همسر و فرزندان، استقبال از مشاغل پاره‌وقت، نیمه‌وقت، خانگی، دورکاری، کار منعطف، کار مشارکتی (وندی، ۲۰۰۶: ۱۱۵).

• آموزش مهارت‌های مادری و همسرداری

فرآیند اجتماعی شدن برای زنانی که مسئولیت مادری و همسری را نیز برعهده دارند، مشکلاتی از جمله تعارض در نقش جنسیتی، مبارزه برای کسب قدرت و وابستگی در روابط زناشویی، تعارض در پیشرفت و رقابت، الگوی سهیم شدن در نقش‌ها، تنش درباره مراقبت از کودک و سایر دشواری‌های ارتباطی، ایجاد می‌کند (بختیاری، ۱۳۸۸: ۱۷۳). این مسأله هم‌چنین کیفیت زندگی خانوادگی و حفظ و بقای روابط زن و شوهر را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در خانواده نیز احتمال ابتلاء به افسردگی، اضطراب، بدخلقی و بدرفتاری با همسر و فرزندان، انجام ضعیف‌تر نقش خانوادگی، کاهش رضایت از زندگی و عدم بهداشت روانی افزایش می‌یابد. در نتیجه

هم خانواده‌ها و هم سازمان‌ها دچار نوعی کارکرد نادرست و نابسامان می‌شوند. انجام کامل نقش درخانه به توجه و زمان کافی نیاز دارد و این در حالی است که انجام نقش اجتماعی که برنامه‌ریزی شده، زمان‌مند و نامنعطف است نیز به همین مقدار توجه و تعهد نیاز دارد. این دو تعهد وظایف زنان را سنگین نموده، فشار روانی بیشتری به آنان وارد می‌سازد. هر یک از این دو نقش متفاوت، اقتضائات، شرایط و الزامات خاص خود را دارد که گاه با یکدیگر مانع‌الجمع‌اند. اگر برای سازگاری این دو نقش متنافی الاجزاء تدابیر و تمهیدات مناسبی اندیشیده نشود، بیم آن می‌رود که علاوه بر تنش‌ها و فشارهای روحی و روانی، آسیب‌های جدی هم بر کار و اشتغال و هم بر خانه و خانواده وارد آید (کریمی، ۱۳۹۳: ۶۴).

ضروری است دولت با اجرای برنامه‌های مناسب آموزشی معطوف به عناوین فوق، مهارت‌های مادری و همسرداری را در جهت رفع یا کاهش تعارضات نقشی و ایجاد سازگاری و هماهنگی بیشتر بین نقش‌ها ارائه دهد تا هم کیان خانواده محفوظ بماند و هم اشتغال زنان به نحو صحیحی سامان یابد.

• آموزش علوم (عمومی و تخصصی)

افزایش توانمندی‌های زنان در بعد نگرشی (تقدم ارزش‌ها و کمالات معنوی، ارجحیت خانواده، اهمیت عفاف و حجاب، اولویت‌بندی بر اساس ضرورت، ارزش کار، اهمیت رزق حلال، قناعت‌پیشگی)، بعد دانشی (آگاهی از خود، اعتماد به نفس، عزت نفس، هویت شخصی، دانش تخصصی) و بعد مهارتی (مهارت‌های برقراری ارتباط، مهارت مذاکره، مهارت مدیریت زمان، مهارت تفویض اختیار، مهارت سازمان‌دهی) از عوامل مهم موفقیت شغلی آنها است که تاثیر مهمی در حفظ صحت و سلامت جسمی و روحی و رفع مشکلات و آسیب‌های ناشی از سنگینی

کار، گرانی بار و تعارض نقش دارد.

افزایش توانمندی زنان شاغل در بعد دانش تخصصی یکی از مهم‌ترین عوامل فائق آمدن بر مسائل و مشکلات کاری و کاهش عوارض و تبعات ناشی از اشتغال بیرونی و بالمآل موفقیت شغلی و زندگی خانوادگی است. مهم‌ترین عناوینی که ذیل عنوان دانش تخصصی قرار می‌گیرند به این شرح است: شناخت احساسات، شناخت افکار، شناخت تمایلات، شناخت توانایی‌ها، شناخت اهداف، شناخت انگیزه‌ها، شناخت شخصیت خود، شناخت نقش و شناخت وظیفه. (کرمی، ۱۳۹۴)

• مهارت‌افزایی اعضای خانواده

یکی از نکات مهم و کلیدی در الگوی اسلامی اشتغال زنان، وظایف و مسئولیت‌هایی است که سایر اعضای خانواده بر عهده دارند. خانواده یک مجموعه به هم پیوسته و منسجم است که همه اعضا در تأمین اهداف والای آن مسئولیت مشترک دارند. از آنجا که شرایط و وضعیت خانوادگی یک زن شاغل در مقایسه با یک زن خانه دار تفاوت اساسی دارد، لذا بار مسئولیت اعضای خانواده زن شاغل سنگین‌تر و جدی‌تر است.

از این رو باید همه آنچه که در یک خانواده به واسطه اشتغال زن دچار ضعف و کاستی می‌شود با تشریک مساعی و معاضدت همدلانه سایر اعضای خانواده بازیابی و جبران شود.

اصلاح نگرش اعضای خانواده و تقویت ارتباطات میان فردی مشتمل بر گشودگی، همدلی، مثبت‌گرایی و حمایت‌گری از اجزای مهم این مسئولیت‌هاست که از طریق ارائه آموزش‌های لازم و مناسب به اعضای خانواده قابل دستیابی است. (همان)

• مهارت‌افزایی اجتماعی و شغلی

موفقیت زنان در فعالیت‌های اجتماعی نیاز به دانش، مهارت و اصول خاصی دارد. موفقیت و پیشرفت اجتماعی نیز مانند هر دستاورد دیگری به آسانی به دست نمی‌آید و همه افراد باید برای دستیابی به آن، مهارت‌هایی را کسب نمایند. هوش و استعداد نیز به تنهایی کافی نیست و در دنیای امروز، که دنیای سرعت، رقابت و ارتباطات است، به چیزهایی فراتر از آنها نیاز است. اگرچه مهارت‌های مورد نیاز هر فرد بستگی به علایق، توانایی‌ها و استعداد فرد و همچنین اهداف و موضوع فعالیت اجتماعی و امکانات در اختیار او دارد، اما در هر حال منطقی بودن، هوش اجتماعی، تفکر تطبیقی و بدیع، شایستگی فرافرهنگی، تفکر محاسباتی، سواد رسانه‌ای جدید، تسلط و درک مفاهیم دانش‌های چند رشته‌ای، ذهن طراحی، مدیریت شناختی و مشارکت مجازی از مهم‌ترین مهارت‌های مورد نیاز در موفقیت فرآیند اجتماعی شدن زنان است. علاوه بر موارد فوق در امر فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال زنان نیز ده مهارت شغلی که در فهرست اولویت قرار دارد، بدین شرح است: مهارت‌های حل مشکل، مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، مهارت‌های روابط عمومی، مهارت‌های رایانه‌ای، مهارت‌های آموزشی، مهارت‌های مالی، مهارت‌های مدیریت اطلاعات، مهارت مکالمه به زبان خارجی (معمولا انگلیسی)، مهارت‌های تجارت و بازرگانی.

دولت باید با اتخاذ تدابیر لازم و مناسب برنامه‌های توانمندسازی و مهارت‌افزایی زنان کشور را ذیل عناوین فوق‌الذکر با مدیریت و اجرای صحیح و عالمانه به انجام رساند.

• دوره‌های آموزشی برنامه‌ریزی شغلی

اشتغال زنان یکی از مهم‌ترین وجوه فرآیند اجتماعی شدن زنان است. لذا موفقیت شغلی زنان واجد اهمیتی ویژه و فراوان است. چرا که علاوه بر

نیروی کار حقوق بگیر کمک کرده است (کارمن و الیثی، ۲۰۱۳: ۵۵). خوداشتغالی به دلیل خویش فرما بودن فرد شاغل و انعطاف پذیری نوع فعالیت، با وضعیت و اختصاصات روحی و جسمی زنان و وظایف و مسئولیت‌های همسری و مادری آنان سازگارتر است. ازین رو دولت وظیفه دارد به منظور بسط و توسعه فرهنگ خوداشتغالی، با ارائه آموزش‌های لازم، جامعه زنان را با انواع، ابعاد، چگونگی، ضوابط، تسهیلات و ترتیبات آن آشنا کند و مهارت‌های ویژه و مناسب آنرا بدیشان بیاموزد.

• مهارت‌افزایی در اشتغال خانگی

امروزه کسب و کارهای خانگی به عنوان راهکاری مهم برای ایجاد اشتغال و درآمد در سراسر جهان محسوب می‌شود. مشاغل خانگی یکی از مشاغل جذاب است که بسیاری از زنان به دلیل محیط امن خانه آن را به عنوان یک بنگاه اقتصادی می‌پذیرند. قابلیت انجام این نوع کسب و کار در «منزل» مزایای بسیاری برای همگان و به‌ویژه زنان دارد، که از جمله می‌توان به ایجاد توازن بین مسئولیت خانوادگی زنان و اشتغال آنان، حذف هزینه‌های مربوط به خرید، رهن و اجاره کارگاه و ایاب و ذهاب، استفاده از نیروی کار سایر اعضای خانواده و ایجاد زمینه‌های کار خانوادگی، امکان انتقال تجارب از طریق آموزش غیررسمی به شیوه استاد - شاگردی بین اعضاء خانواده و ... اشاره نمود.

در سالیان اخیر به دلیل تحولات عظیم در بخش فناوری اطلاعات در جهان و ایجاد مشاغل جدید، امکان اشتغال خانگی برای بسیاری از افراد در زمینه‌های IT نیز فراهم گردیده است. این مشاغل که تعداد آنها در سراسر جهان روزبه‌روز رو به فزونی و تنوع است این امکان را فراهم می‌آورد تا افراد بتوانند در محیط خانه با استفاده از رایانه و وسایل جانبی مورد

تثبیت و تقویت همه جنبه‌های مثبت مربوط به اشتغال زنان که به فرد، خانواده و جامعه برمی‌گردد، بسیاری از جنبه‌های منفی حضور زنان در خارج از منزل را حذف کرده و یا کاهش می‌دهد. لذا یکی از ابعاد مهم و اصلی مسئولیت‌های دولت، برنامه‌ریزی لازم برای آموزش زنان در جهت تعیین مسیر موفقیت شغلی آنان است. سر فصل‌های اصلی این آموزش‌ها را می‌توان به این ترتیب فهرست کرد: ارزیابی و سنجش استعدادها (انجام تست‌های شخصیتی)، تعیین مسیر شغلی مناسب (خوداشتغالی، کارآفرینی، استخدامی)، آماده سازی برای ورود به بازار کار (آموزش، مشاوره، حرفه آموزی)، آموزش چگونگی ورود به بازار کار و محدودیت‌های حاکم بر اشتغال زنان در جامعه، حمایت فردی (آموزش‌های روانی و شخصیتی، آموزش‌های کسب و کار)، حمایت اجتماعی (طراحی برنامه‌های اجتماعی از جمله سمینارها و همایش‌های علمی و کاربردی)

• دوره‌های آموزشی مهارت‌های خود اشتغالی

خوداشتغالی نوعی از فعالیت اقتصادی است که در آن فرد مالکیت و مدیریت کسب و کار خود را عهده‌دار است و می‌تواند علاوه بر خود برای افراد دیگری نیز ایجاد اشتغال کند. خوداشتغالی ساده‌ترین تشکیلات کسب و کار است که اصلی‌ترین شکل آن را، تنها یک شخص بدون کارفرما و کارمند ایجاد می‌کند (parker, 2005). خوداشتغالی می‌تواند طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها را در برگیرد. در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه، خوداشتغالی به عنوان نوعی فعالیت شغلی در بخش خصوصی محسوب می‌شود.

در توصیفی واقع‌گرایانه از پیدایش خوداشتغالی می‌توان چنین بیان کرد که تغییرات اخیر ناشی از پیشرفت فناوری و تجارت آزاد در نظام اقتصاد جهانی، به اقدامات کاری مخاطره آمیز و منعطف منجر شده است. این سیستم جدید به افزایش مشارکت زنان در

• دوره‌های آموزشی مهارت‌های کارآفرینی

کارآفرینی از جمله مفاهیمی است که در صورتی که دولت‌ها نسبت به آن اهتمام ورزند، ره چند صد ساله را در دهه‌ای خواهند گذراند. رشد شتابان کارآفرینی در جهان چندی نیست که باعث تحول عظیم در رویدادهای اقتصادی و افزایش شکاف و فاصله میان کشورها شده است.

کارآفرینی عبارت است از فرآیند ایجاد ارزش از طریق تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به منظور بهره‌گیری از فرصت‌ها (سیدامیری و هندیکانی فرد، ۱۳۹۴، ۶). کارآفرین فردی است دارای ایده و فکر جدید که از طریق ایجاد کسب و کاری که احتمالاً با مخاطراتی نیز همراه است، محصول یا خدمت جدیدی به بازار ارائه می‌دهد.

به‌طور کلی ویژگی‌های مشترک کارآفرینان عبارتند از: داشتن هدف و پشتکار، داشتن اطلاعات تجاری، توانایی به حداقل رساندن خطرات، حل مشکلات به طور مداوم، دارا بودن توانایی لازم، تمایل به مشورت با کارشناسان، سلامت فکری و روحی، شکیبایی در برابر ناملایمات، توانایی ایجاد ارتباط، دسترسی به منابع مالی، استفاده از تجارب دیگران، مسئولیت‌پذیری، اعتماد به نفس، قابلیت تغییر و انعطاف‌پذیری، تلاش برای اجرای پروژه، شناخت شخصی، تعهد، برخورداری از دیدگاه‌های مثبت، اطلاعات فنی و خدماتی، عقل معاش، توانایی ارائه عقاید به دیگران، شجاعت، نیاز به موفقیت، حس استقلال طلبی، برخورداری از مرکز کنترل درونی، خلاقیت و نوآوری، ریسک‌پذیری، قدرت تحمل ابهام، قاطعیت، عمل‌گرایی، از خود گذشتگی، توجه به جزئیات (فیاض بخش، ۱۳۹۰: ۲۲-۱۶).

اینها همه موضوعاتی هستند که باید در دستور کار برنامه‌های آموزشی دولت در جهت ایجاد دانش و

نیاز، به انجام کسب و کارهای گوناگون در این حوزه بپردازند. شاغلین کسب و کار مذکور برای کسب منافع به صورت‌های ذیل فعالیت می‌نمایند:

- ۱- انجام فعالیت به صورت کارمزدی برای کارفرمای خارج از محیط مسکونی
- ۲- انجام فعالیت مستقل اعم از تامین مواد اولیه تا عرضه محصول به خارج از محیط مسکونی
- ۳- انجام فعالیت به صورت تعاونی، اتحادیه و یا مشارکت با بنگاه‌های بالادستی تامین‌کننده مواد اولیه و عرضه محصول آنان در بازار، ترجیحاً به صورت کسب و کار خوشه‌ای

تعداد شغل‌های شناسایی شده در ذیل عنوان مشاغل خانگی مشتمل بر ۲۱۴ رشته است که توسط دولت مورد پشتیبانی و حمایت قرار می‌گیرد. برخی از این شغل‌ها که دارای درآمدهای بالایی نیز هستند، عبارتند از: فرش بافی، بازاریابی تلفنی، عروسک سازی، شیرینی پزی، خیاطی، صنایع دستی، پرورش گیاهان خانگی و... (سایت رسمی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی www.irimlsa.ir).

ماده یک قانون سامان‌دهی و حمایت از مشاغل خانگی اشعار می‌دارد که دولت موظف است به استناد اصول ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با توجه به سند چشم‌انداز بیست ساله، مشاغل خانگی را مورد حمایت قرار دهد و زمینه ایجاد اشتغال برای این‌گونه متقاضیان را فراهم نماید.

واضح است که یکی از ابعاد مهم این حمایت قانونی اجرای برنامه‌های مناسب آموزشی است که زنان را با ابعاد، چگونگی، ضوابط و حمایت‌های دولت در این‌باره آشنا نموده و برنامه‌های مهارت‌افزایی ایشان را در رشته‌های گوناگون و مناسب به مورد اجرا می‌گذارد.

مهارت لازم در جامعه زنان، به منظور توسعه ظرفیت‌های کارآفرینی کشور قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

در عصر حاضر به دلیل تحولات پرشتاب فرهنگی، سیاسی و اقتصادی فرآیند "اجتماعی شدن" زنان سیری فراینده یافته است. اجتماعی شدن، از واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی است و به معنای فرآیندی است که در طی آن فرد می‌آموزد که چگونه به عضویت یک جامعه درآید، خواه از طریق درونی کردن ارزش‌های آن جامعه و خواه از طریق آموختن نقش‌های اجتماعی آن. بدیهی است که این پدیده، که به منزله حضور بیشتر زن در محیطی خارج از منزل است، اغلب با وظایف ذاتی و طبیعی و شرایط و ویژگی‌های جسمی و روحی و کارکرد ویژه او در جایگاه یک همسر و مادر تعارض فاحشی دارد. بنابراین اگر در مسیر اصولی و صحیح خود هدایت نشود، می‌تواند ضربات سهمگین و زیان‌باری بر شخصیت فرد، هویت خانواده و حیثیت جامعه وارد آورد.

دستگاه‌های حاکمیتی در هدایت و مدیریت این روند پرشتاب و نو پدید در ابعاد اجرایی، تقنینی، فرهنگی، پژوهشی و آموزشی وظایف و مسئولیت‌های مهم و فراوانی دارند که در این جستار سرفصل‌های مهم وظایف دولت اسلامی را در امر برنامه‌ریزی و مدیریت امور آموزشی، به منظور تمهید مقدمات و شرایط مناسب برای اجتماعی شدن زنان معرفی شد.

مبانی نظری این تحقیق را دیدگاه‌ها و نظرات استاد شهید آیت الله مطهری تشکیل می‌دهد. از آنجا که خانواده یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار و تأثیرپذیر در فرآیند اجتماعی شدن زنان است، در بخش مبانی تحقیق ابتدا جایگاه و اهمیت خانواده مورد بررسی قرار گرفت و سپس ابعاد شخصیتی زنان در بعد

فردی، خانوادگی و اجتماعی تبیین شد. آنگاه به اشتغال و نقش اقتصادی زن به عنوان یکی از مهم‌ترین و پررنگ‌ترین وجه حضور اجتماعی زنان پرداخته شد و الزامات حضور زن در عرصه اجتماع مشتمل بر حفظ کرامت، التزام به عفاف و پوشش، عدم اختلاط، هماهنگی با مسئولیت‌های خانوادگی و تناسب با ویژگی‌های جنسیتی احصا شد.

طبیعی است که اصل آموزش و نقش و جایگاه آن در پیشرفت و تعالی نیز از دیگر مبانی مطرح شده در این پژوهش باشد. به همین جهت با ذکر اسناد بالادستی و قوانین مصوب جمهوری اسلامی ایران، وظایف سترگ دولت در باب آموزش، توانمندسازی و مهارت‌آموزی زنان تبیین شد و در نهایت به استناد مبانی پیش‌گفته، مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی در حوزه آموزش به منظور تمهید شرایط اجتماعی شدن زنان بدین شرح عنوان شد: تدوین نظام آموزشی خانواده، آموزش مهارت‌های زندگی و خانه‌داری، آموزش مهارت‌های مادری و همسرداری، آموزش علوم (عمومی و تخصصی)، مهارت‌افزایی اعضای خانواده، مهارت‌افزایی اجتماعی و شغلی، دوره‌های آموزشی برنامه‌ریزی شغلی، دوره‌های آموزشی مهارت‌های خود اشتغالی، مهارت‌افزایی در اشتغال خانگی و دوره‌های آموزشی مهارت‌های کارآفرینی.

منابع

- اسفندیاری، توران (۱۳۸۲). شناسایی مهارت‌های زندگی مورد نیاز بزرگسالان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- بختیاری، آمنه (۱۳۸۸). تأثیر اشتغال بر خانواده (با تأکید بر فرزندان)، مجموعه مقالات اشتغال زنان، لیلا سادات زعفرانچی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- پزشکی، محمد (۱۳۸۹). صورت‌بندی مطالعات زنان در جهان اسلام، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹

- حسن زاده، صدیقه (۱۳۹۰). گزیده قوانین و مقررات زن و خانواده در جمهوری اسلامی ایران، مینسک. انستیتوی حقوق و فلسفه آکادمی علوم جمهوری بلاروس.
- سیدامیری، نادر و هندیجانی فرد، مرتضی (۱۳۹۴). راه اندازی کسب و کار در ایران، تهران: ترمه
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۸۳). شرح اصول کافی، محقق و مصحح: محمد خواجه‌جوی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- فیاض‌بخش، علیرضا (۱۳۹۰). کارآفرینی، یک جرعه از بی‌نهایت، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی
- قوی، نیره (۱۳۹۴). درآمدی بر کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران در قلمرو زنان، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، نشر معارف.
- کریمی، فیروزه (۱۳۹۴). بررسی آرای متفکران اسلامی معاصر درباره فعالیت‌های اقتصادی بانوان و ارائه الگوی اشتغال زنان بر مبنای نظام فکری اسلام، رساله دکتری مدرسی معارف اسلامی، قم: دانشگاه قرآن و حدیث.
- کریمی، فیروزه (۱۳۹۳). بررسی تعارض نقش‌های خانوادگی و اجتماعی بانوان و ارائه الگوی مناسب برای زندگی خانوادگی زنان شاغل، مطالعات راهبردی زنان، سال شانزدهم، شماره ۶.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالأنوار، بیروت: إحياء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۹). نظام حقوق زن در اسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، نرم افزار مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، انتشارات صدرا.
- یادداشت‌های استاد مطهری، نرم افزار مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، انتشارات صدرا.
- مهریزی، مهدی (۱۳۸۴). رویکردهای مذهبی در تاریخ معاصر ایران، آینه پژوهش، شماره ۹۱.
- وزیری، ناصر (۱۳۷۹). بررسی میزان تأثیر دوره‌های آموزش خانواده بر افزایش اطلاعات و آگاهی شرکت‌کنندگان در شهر نایین اصفهان. سازمان آموزش و پرورش اصفهان.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (سایت رسمی، طرح ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی).
- Karman, Z E and Elleithy A (2013). Economics of Self-Employed and entrepreneurship. Cambridge university press.
- Parker Simon, C (2005). The Economics of Entrepreneurship (Foundations and Trends in Entrepreneurship). Now Publishers Inc.
- Wendy, A (2006). Work-Life Balance in women entrepreneurs: A phenomenological study, doctoral dissertation.